

انزوای "یکه سوار"

از بن تا جنوا

پیران آزاد

آن‌ها که وسترن‌های کلاسیک را دیده‌اند، به‌یاد دارند که "یکه سوار" در تنهایی خود از جامعه مدرن و صنعتی، دور می‌افتاد و می‌گریخت. حالا در قرن بیست و یکم، کاریکاتور آن یکه سوار، جرج دبلیو بوش، "بچه تگزاسی"، زیر فشار افکار عمومی و مبارزه مردمی که نمی‌خواهند و نمی‌گذارند که جامعه مدرن و صنعتی بر مبنای مناسبات سرمایه‌داری و بر محور "سود سرمایه"، سیاره زیبای ما را نابود کند، به انزوا می‌افتد. ماجرای که در کنفرانس محیط‌زیست در شهر بن در فاصله ۲۰ تا ۲۲ جولای رخ داد. کنفرانس بن برای امضای قرارداد اجرایی "پروتکل کیوتو"، برای کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای که باعث گرم شدن زمین می‌شوند، برگزار شد. در پروتکل کیوتو، منعقد در سال ۱۹۹۹، قرار بر این شد که کشورهای عمده صنعتی، میزان تولید گاز کربنیک و غیره را تا حدود ۵۲ درصد کاهش دهند تا سطح کلی تولید جهانی این گازها (ناشی از سوخت‌های فسیلی تا سال ۲۰۱۲ در سطح تولید سال ۱۹۹۰ باقی بماند. یعنی گاز اضافی تولید نشود و جلوی گرم‌تر شدن زمین، گرفته شود. آمریکا و ژاپن و چین، اگرچه موافقتنامه کیوتو را قبول کردند، اما برای اجرای آن حرف و حدیث زیادی پیش آوردند و نهایتاً، جرج بوش بعد از انتخاب شدن به ریاست جمهوری، منکر آن موافقت‌نامه شد و از امضای قرارداد اجرایی آن سرباز زد و لشکر متخصصان و دانشمندان خود را بسیج کرد که ثابت کند که گرم شدن زمین ربطی به تولید گازهای ناشی از سوخت ارزان فسیلی، ندارد. در کنفرانس بن، بالاخره زیر فشار کشورهای اروپایی، ژاپنی‌ها، چینی‌ها و دیگران هم مجبور به امضای قرارداد اجرایی آن موافقت‌نامه شدند. اگرچه با چانه‌زنی فراوان توانستند پروتکل کیوتو را در اجرا به عقب‌نشینی وادارند، یعنی موافقت شد که تا سال ۲۰۱۲، به جای ۵۲ درصد کاهش توافق شده، کشورهای عمده صنعتی فقط ۱۸ درصد از تولید گاز کربنیک کم کنند. دولت جرج بوش در همین جا هم حاضر به سازش نشد و قرارداد را امضا نکرد و از بقیه دنیا خرج خود را سوا کرد. و همین مسئله اصلی کنفرانس و نشانه بزرگ آن چیزی است که در صحنه سیاست جهانی در حال اتفاق افتادن است. برای اولین بار در تاریخ معاصر، کشورهای جهان تصمیم گرفتند که بدون آمریکا برای حل یکی از مهم‌ترین مسائل مشترک و عمومی جهان، اقدام کنند و ایالات متحده را تنها بگذارند و ایزوله کنند و این نه کاری است خرد. به قول "جنیفر مورگان" از "صندوق جهانی برای طبیعت" (WWF)، این یک "زلزله ژئوپلیتیکی" بود.

یک نگاه گذرا به صف بندی‌های این کارزار، منبع انرژی این "زلزله" خود را نشان می‌دهد. در یک طرف، کشورهای جامعه اروپا بود و در طرف دیگر آمریکا، کانادا، ژاپن، استرالیا و چین، و کشورهای در حال توسعه نیز در حال نوسان. آمریکا به تنهایی ۲۰ درصد گاز کربنیک جهان را با مصرف زیاد انرژی، تولید می‌کند و مجموعه کشورهای عمده صنعتی ۷۵ درصد کل تولید جهانی را. در آمریکا، کانادا، ژاپن، استرالیا، چین و روسیه، مبارزه برای حفظ محیط‌زیست، نسبت به اروپا در سطح پائینی جریان دارد. یعنی در مقایسه با اروپای غربی که از سال‌های ۱۹۶۰ مبارزه مردمی برای حفظ محیط‌زیست چنان تغییری در صحنه سیاسی و آگاهی عمومی نسبت به این مسئله بوجود آورده که هارترین جناح‌ها و گروه بندی‌های سیاسی سرمایه‌داری هم جرئت ندارند به مسائل محیط‌زیست بی تفاوت باشند و همه به اشکال مختلف از آن دم می‌زنند و گرنه این صدراعظم‌های جور و واجور، در دفاع از منافع کوتاه مدت سرمایه و پیش‌روی در میدان رقابت افسارگریخته بازار سرمایه، دست کمی از جرج بوش ندارند و اگر به حال خود گذاشته شده بودند، حالا بوش نه در انزوا، که در مقام سرکردگی برای پیش‌راندن برنامه تخریب

محیط زیست بود.

جرج بوش یک بار دیگر "نبوغ" خود را در ارزیابی از اوضاع سیاسی جهان نشان داد و اگر هنوز خود نفهمیده باشد که با چه و با که سروکار دارد، مخالفت با کنفرانس سران هشت کشور صنعتی (G8) در جنوا، باید به او و دیگر رهبران سرمایه نشان داده باشد که گرد و خاک جنگ صلیبی که از دوره پدرش "جرج بوش پدر" بر علیه سوسیالیسم همه جا را پوشانده بود، در حال فرونشستن است و آن‌ها را که بر طبل "پایان تاریخ" می‌کوبیدند و می‌گفتند که با فروریختن "دیوار"، سرمایه‌داری به پیروزی نهایی خود رسید و جایی برای مبارزه علیه آن نمانده و هر کس را غیر از این می‌گفت و می‌خواند، "اتوپيست" می‌نامیدند و خیال‌بافش می‌دانستند، متوجه کرده‌باشد که خود در خیالات خوش بودند. بیش از سیصد هزار نفر، یعنی سه برابر آن‌چه سازمان‌دهندگان تظاهرات انتظار داشتند، در جنوا گرد آمدند و اعلام کردند که این جهان را چنین نمی‌خواهند. و فشار مبارزه مردمی که زندگی بر محور سود سرمایه و نفع اقلیت کوچکی آن‌ها را مچاله کرده، آن‌چنان زیاد شده که سران و رهبران هشت کشور، مجبور شدند شب‌ها در جریان برگزاری کنفرانس در کشتی محافظت شده بر روی آب سر کنند و برای برگزاری کنفرانس بعدی خود، به دنبال نقاط دورافتاده کره خاک و دور از دسترس آدمیان باشند. چنان‌که اعلام شده در مناطق روستایی دورافتاده کانادا!

تیراندازی پلیس سوئد به تظاهرکنندگان "گوتنبرگ" در جریان کنفرانس سران اتحادیه اروپا و کشتن جوان ایتالیایی تظاهرکننده در "جنوا" نشان داد که "پلیس سرمایه" چه در لباس "پاسدار اسلامی" و چه در هیبت پلیس "متمدن و قانون‌گرای" اروپایی، یک وظیفه بیشتر ندارد و یک قانون را بیشتر نمی‌شناسد، و آن حفاظت از منافع صاحبان امتیاز است!